

واکاوی مفهوم اقتصاد مقاومتی، پیامدها و نتایج تحقق آن، در نظام جمهوری اسلامی ایران

نویسندگان: حمیدرضا مختاری نژاد^۱

سجاد شهسواری^۲

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال پانزدهم، شماره ۴۴، بهار ۱۳۹۷

چکیده

رهبر معظم انقلاب اسلامی بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، با ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تأکید کردند: پیروی از الگوی علمی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی، علیه ملت ایران خواهد شد. در چند سال اخیر، رهبر معظم انقلاب با طرح اقتصاد مقاومتی و تأکید دوچندان روی آن، سعی در گفتمان‌سازی آن و لزوم اجرای آن داشته‌اند؛ خصوصاً در شرایط حساس این برهه از زمان که کشور از طرف دشمنان با خطرات مختلفی از جمله تحریم تهدید می‌شود. در این مقاله، با روش تحلیلی-توصیفی، مفهوم اقتصاد مقاومتی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در ابتدا، این مفهوم به لحاظ لغوی و اصطلاحی مطرح و تاریخچه آن بیان شده است و در ادامه، مبانی نظری تاب‌آوری اقتصادی در اقتصاد متعارف مورد بررسی قرار گرفته است و پس از آن، مروری بر این مفهوم در اندیشه مقام معظم رهبری صورت گرفته و در نهایت پیامدها و نتایج تحقق آن به عنوان نتیجه‌گیری بحث، ارائه گردیده است. نتیجه اینکه اگر مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران، این مفهوم که کاملاً بومی و برآمده از الگوی ناب اسلامی است را در امور اقتصادی و برنامه‌های خود قرار دهند، سه پیامد مهم انقلاب اسلامی که شامل استقلال اقتصادی، رفاه اقتصادی و پیشرفت اقتصادی است، به عرصه عمل خواهد رسید.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری اقتصادی، استقلال اقتصادی، جهاد اقتصادی، ایران.

۱. کارشناس ارشد حسابداری و مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین ۷، (نویسنده مسئول).

Email: hr.mokhtari57@gmail.com

۲. کارشناس ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق ۷

۱. بیان مسأله

قدرت، وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریسته شود و برآیند توانایی‌های آن جامعه یا ملت باشد، از آن به قدرت عمومی و کلی تعبیر می‌شود. در این چارچوب، مجموعه انسان‌هایی که ملتی را تشکیل داده‌اند و در شکل یک کشور، سازمان سیاسی پیدا کرده‌اند، قدرتی دارند که از برآیند قوای ترکیب شده آن‌ها به دست می‌آید و آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت می‌توان دانست. به عبارت دقیق‌تر، قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپولیتیکی، افت جمعی افراد یک ملت یا ویژگی کلی یک کشور را منعکس می‌کند که برآیند توانایی‌ها و مقدورات آن ملت یا کشور محسوب می‌شود. چنین قدرتی حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های قدرت آن کشور است که از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملت‌ها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است (فروغی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰). «قوی شدن یک ملت ارکان و اجزاء مختلفی دارد. قوی شدن یک ملت، فقط به این نیست که تسلیحات جنگی پیشرفته‌ای داشته باشد؛ البته تسلیحات هم لازم است، اما فقط با تسلیحات هیچ ملتی قوی نمی‌شود. من وقتی نگاه می‌کنم سه عنصر را پیدا می‌کنم که اگر این سه عنصر مورد توجه قرار گرفتند، یک ملت قوی می‌شود: یکی اقتصاد، یکی فرهنگ، و سومی علم و دانش» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳). در این میان، اقتصاد یکی از ارکان مهم قدرت ملی است. داشتن قدرت اقتصادی راه برای رسیدن به قدرت سیاسی هموار می‌کند. اعتماد و انسجام ملی را افزایش می‌دهد و چشم طمع دشمنان را کور می‌کند. از این رو طراحی و پیاده‌سازی سیستم و نظام اقتصادی که با توجه به ویژگی‌های ایدئولوژیکی و اسلامی و ساختار نظام کشور را به قوی شدن در اقتصاد برساند، بسیار حائز اهمیت است. در این ارتباط، برآورد سال‌های اخیر مقام معظم رهبری، از شرایط کنونی کشور، نشانگر آن است که محور اصلی تلاش دشمن، تهاجم اقتصادی به انقلاب اسلامی است. بر اساس همین برآورد، در سال‌های اخیر، مخصوصاً از سال ۸۷ تاکنون، شاهد نام‌گذاری هر سال، بر محور اقتصادی بوده‌ایم. مقام معظم رهبری اشاره می‌کنند: «امروز، مسأله اصلی کشور ما، استقلال است. برادران و خواهران عزیز! انقلاب، برای ما استقلال سیاسی را به بار آورد؛ این جرأت را به این ملت داد که در مقابل نظام غیر عادلانه سلطه در دنیا بایستد. اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در مقابل سلطه‌گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۷). از چند سال قبل، مشخص بود که طراحی دشمن بر اقتصاد کشور متمرکز شده است و بر همین اساس، شعارهای سال‌های اخیر همچون اصلاح الگوی مصرف، همت

مضاعف، کار مضاعف، جهاد اقتصادی و تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، به عنوان حلقه‌هایی از منظومه اقتصادی مطرح شد تا حرکت عمومی کشور در عرصه‌های اقتصادی، ساماندهی شود (حسینی خامنه‌ای، ۹۱/۵/۳).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تحولات عمیقی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه اقتصاد به وقوع پیوست. به رغم آنکه در شکل‌گیری انقلاب، مباحث و مسائل اقتصادی، نقش بنیادینی در قیاس با دیگر عوامل نداشت، ولی پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، یکی از حوزه‌هایی که دچار تحول زیادی گردید، اقتصاد کشور بود. تحولات ایجاد شده، به دلایل گوناگونی مانند ملی شدن ها، مصادره‌ها، فرار سرمایه‌داران و کارشناسان خارجی، کاهش قابل توجه دور نفت و ... به وقوع پیوست که موجب تغییر ساختار اقتصادی کشور شد. هنوز طراحی‌های اولیه حوزه اقتصاد، سازمان نیافته بود که تحمیل جنگ، فرصت‌های اقتصادی را متأثر و محدود ساخت. به همین دلیل، در ده سال اول انقلاب، امکان طراحی یک الگوی جدید و متناسب با آموزه‌های اسلامی و انقلابی فراهم نشد. در واقع، از یک منظر کلی، اگر چه به: ورت مشخص در برخی زمینه‌ها مانند بانکداری بدون ربا اقداماتی به عمل آمد اما اقدام اساسی و متناسب با اهداف اسلام و انقلاب، صورت نگرفت. پس از پایان جنگ تحمیلی نیز، دغدغه‌ها و ضرورت‌های بازسازی مناطق جنگی و جبران عقب ماندگی‌های دوره جنگ، مانع از طراحی یک الگوی جدید گردید؛ ولی هیچ‌گاه نیاز به طراحی الگویی جدید و متناسب با آرمان‌های انقلاب و آموزه‌های دین و نیز شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور در سال‌های پس از انقلاب، از میان نرفت تا اینکه در سال ۱۳۷۴ طی ابلاغیه‌ای از سوی مقام معظم رهبری، ضرورت تدوین برنامه اقتصاد بدون نفت، مطرح و انجام این مهم، به دولت وقت، ابلاغ شد و متعاقب آن نیز ضرورت تهیه برنامه‌ای برای تحقق عدالت اجتماعی، مورد تأکید ایشان قرار گرفت. این روند از سال ۱۳۸۴ با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و سپس دیگر سیاست‌های اقتصادی از سوی رهبر انقلاب شدت یافت. به دلیل اهمیت حیاتی یک نظام اقتصادی تأمین‌کننده رفاه و عدالت، آن هم در تراز اهداف و آرمان‌های کلان جمهوری اسلامی از یک سو و ضرورت تذکر و تأکید مداوم به مجموعه مسئولین کشور، نسبت به پیگیری منویات ابلاغیه‌های قبلی، مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر، نوعی گفتمان اقتصادی را پی افکندند که با ایده‌هایی نوآورانه، در قالب اختصاص سال‌ها به نام‌های الهام‌بخش و طی سه سال اخیر نیز با طرح مضمون اقتصاد مقاومتی تداوم یافته است. مطمئناً آینده نظم سیاسی در ایران، به مجاهدت‌ها و دستاوردهای تمامی ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران، در حوزه اقتصاد مقاومتی بستگی دارد. لذا در این مقاله، به توضیح این مفهوم مهم می‌پردازیم.

۲. پیشینه تحقیق

در گذشته، تحقیقی در خصوص واکاوی مفهوم اقتصاد مقاومتی، پیامدها و نتایج تحقق آن در نظام جمهوری اسلامی ایران انجام نشده است. نوآوری این مقاله، نخست در مقایسه دقیق مفهوم اقتصاد مقاومتی با اصطلاح رایج آن در ادبیات متعارف اقتصادی که با عنوان تاب‌آوری اقتصادی مطرح می‌شود، می‌باشد و در مرحله بعد، تبیین دقیق مبانی آن با توجه به اهداف انقلاب اسلامی و اینکه در صورت تحقق این مفهوم، نتایج و پیامدهای آن برای نظام جمهوری اسلامی ایران به صورت کامل، بیان شده است. اما برخی تحقیق‌های انجام شده داخل و خارج از کشور، پیرامون موضوع تحقیق و در خصوص اقتصاد مقاومتی، به شرح زیر است:

۱-۲. مطالعات داخلی

میر معزی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن، با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری» ضمن ارائه تفسیری روشن از اقتصاد مقاومتی که مستند به بیانات مقام معظم رهبری است، به دنبال اثبات این فرضیه است که اقتصاد مقاومتی، شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت حمله همه‌جانبه اقتصادی دشمن، پدید می‌آید. سیف (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری» به ادبیات فنریت اقتصادی پرداخته و الگوی مربوط را مورد بحث نظری قرار داده است. همچنین ریسک تخریب اقتصاد ملی و نیز سناریوهای رفتاری کشورها در این راستا مورد بحث قرار گرفته و محورهای چهارگانه فنریت اقتصادی بیان شده است.

عرب‌نژاد (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «از جهاد اقتصادی تا اقتصاد مقاومتی»، به مفهوم جهاد اقتصادی می‌پردازد و اشاره به تحقق جهاد اقتصادی با استقرار مدل بومی پیشرفت می‌کند و همچنین تبیین و تعریف علمی از اقتصاد مقاومتی را بررسی نموده است. حسین‌زاده بحرینی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی، راهکاری برای توسعه»، به بیان مفهوم اقتصاد مقاومتی می‌پردازد و معتقد است که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی راهبردی و استراتژیک است و برای تبیین موضوع چندین مثال را ارائه می‌دهد. خلیلی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی» به ابعاد و شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته است. سیف (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش فرا تحلیل و تحلیل محتوا و نیز بهره‌گیری از تجربیات دانشی»، به بیان اقتصاد مقاومتی در ادبیات جهانی و مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی

جمهوری اسلامی ایران و همچنین آسیب‌شناسی اقتصاد ایران از منظر اقتصاد مقاومتی پرداخته است. قربانی تازه‌کندی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش دولت در تحقق اقتصاد مقاومتی» به بیان اقدامات دولت برای تحقق اقتصاد مقاومتی می‌پردازد. در این مقاله، به صورت کلی به مؤلفه‌های اساسی اقتصاد مقاومتی اشاره شده است که عبارتند از: مردمی‌سازی اقتصاد، مهار سوداگری و فساد، نظارت در کار، کاهش وابستگی دولت به نفت، برنامه‌ریزی واردات و حمایت از تولید داخلی. سیفلو (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی به بیان مفهوم اقتصاد مقاومتی از طریق تعیین جایگاه آن در پارادایم علم اقتصاد» با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان و تحلیل منطقی سخنان رهبری، پرداخته است. جمالی و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اسلام، مفهوم، اصول و سیاست‌ها»، با روش اسنادی به بیان مفهوم، اصول و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته است. فرهادی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال»، به بررسی اقتصاد مقاومتی از دیدگاه تولید و اشتغال با روش مروری پرداخته است.

۲-۲. مطالعات خارجی

مارتین و سیمی^۱ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «انعطاف‌پذیری اقتصادی مناطق نسبت به رویکرد تکاملی»، تعاریف مختلف از انعطاف‌پذیری و کاربرد آن‌ها را مرور می‌کند و به انعطاف‌پذیری شهری و منطقه‌ای پرداخته است. واگرین^۲ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «چارچوبی برای ارزیابی تاب‌آوری زیرساخت‌ها و سیستم‌های اقتصادی»، به تعریف تاب‌آوری و همچنین یک مدل کمی برای اندازه‌گیری تاب‌آوری سیستم‌ها پرداخته است. استیو توماس و همکاران (۲۰۱۳) در مقاله‌ای به موضوع تاب‌آوری در سیستم‌های سلامت می‌پردازد و به توضیح مفهوم تاب‌آوری پرداخته است. متقی‌راد و رمضانی^۳ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «کارآفرینی سازمانی و نقش آن در اقتصاد مقاومتی» به بیان این نکته پرداخته است که یک کشور، همیشه به تحریم‌های ناعادلانه و یک‌جانبه دچار می‌شود و اقتصاد مقاومتی می‌تواند فشارهای رژیم مسلط را به فرصت تبدیل کند و این اقتصاد به تقویت نیروهای داخلی و تمرکز بر نوآوری داخلی می‌پردازد. فتحی و کشاورزی^۴ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی، تبدیل تحریم به فرصت»، پس از تعریف مفهوم اقتصاد مقاومتی، اهمیت و اهداف آن، به بررسی آسیب‌شناسی اقتصاد ایران و موانع و الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند و در نهایت راه‌حل‌هایی را ارائه داده‌اند. بریگوگلیو

1. James Simmie Ron Martin and.

2. Eric D. Vugrin.

3. Ahmad Mottaghi Rad and Ebrahim Ramezani.

4. Ali Keshavarzi and Sarvoldin Fathi.

و همکاران^۱ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «مفهوم و اندازه‌گیری اقتصاد مقاومتی»، به توسعه چارچوب مفهومی و روش‌شناختی برای تجزیه و تحلیل و اندازه‌گیری مقاومت اقتصادی پرداخته‌اند. کالدرا و همکاران^۲ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی: تضاد بین رشد و اقتصاد شکننده»، به بیان تفاوت‌های این دو می‌پردازد.

۳. تعریف اقتصاد مقاومتی

استفاده از واژه اقتصاد مقاومتی، اولین بار توسط مقام معظم رهبری در ایران برای تبیین ساخت متفاوتی از اقتصاد: ورت گرفت. با توجه به وضعیت کنونی جمهوری اسلامی و قرار گرفتن در پیچ تاریخی پیشرفت و تأکیدات مقام معظم رهبری بر سیاست‌های اقتصادی من جمله اقتصاد مقاومتی، تبیین مفهوم و ارائه یک تعریف کامل و علمی از اقتصاد مقاومتی اهمیت می‌یابد. تعریفی جامع و کامل مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان در مرداد سال ۱۳۹۱ فرمودند: اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.

کلمه مقاومت و مقاوم با فشارهای بیرونی معنی پیدا می‌کند به نحوی که آن فشارها خللی در اهداف فرد مقاوم ایجاد نکند و همچنان به ایستادگی خود ادامه دهد. از همین رو، اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» اشاره به ایستادگی و مقاومت و ثبات در ادامه مسیر اقتصاد به سوی اهداف خود را دارد. در اقتصاد مقاومتی، مقاوم بودن وصف اقتصاد است و یعنی اینکه اقتصاد ویژگی مقاومت و ایستادگی داشته باشد و طبعاً این مقاومت در برابر تهدیدها و فشارهاست. در صورتی که مقاومت اقتصادی، اشاره به حالتی دارد که مقاومت به لحاظ مسائل اقتصادی در حال رخ دادن است، هم چنان که مقاومت نظامی، اشاره به ایستادگی در برابر دشمن و یا فشار و مخاطرات نیست؛ بلکه باید ساخت و ویژگی‌های درونی اقتصاد به گونه‌ای باشد که در برابر فشارهای احتمالی استحکام داشته باشد (فروغی زاده، ۱۳۹۳: ۲۲). در یک تعریف کوتاه، اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که تهدیدها را تبدیل به فرصت می‌کند. اقتصاد مقاومتی در حقیقت به این معناست که به یک نظام اقتصادی می‌اندیشیم که وقتی در مقابل تهدید و حمله دشمن قرار می‌گیرد، رشد می‌کند، بلکه جهش می‌کند؛ یعنی نه تنها عقب نمی‌رود، بلکه همین تهدید را تبدیل به یک فرصت می‌کند (میر معزی، ۱۳۹۱: ۵۱).

اقتصاد مقاومتی، مجموعه تدابیر مدیریتی اقتصاد است که آسیب‌پذیری ما را در برابر ریسک‌های متعددی که اقتصاد ایران را تهدید می‌کند، کاهش می‌دهد. اقتصاد مقاومتی

1. Lino Briguglio and Godon Cordina and Stephanie Bugeja and Nadia Farrugia.

2. Caldera et al.

یعنی اینکه همه آسیب‌پذیری‌های خود را در حوزه‌های مختلف مالی، پولی، تجاری، ارزی و همه حوزه‌هایی که ریسک ما بالاست و احتمالاً در آینده به اقتصاد ایران شوک وارد می‌کند، کاهش دهیم (دانش جعفری، ۱۳۹۱: ۱۱).

اقتصاد مقاومتی در بستر مبارزه با تخریب‌ها و تعارضات اقتصادی که عمدتاً از ناحیه آمریکا و رژیم صهیونیستی شکل می‌گیرد و آثار و پیامدهای آن تابعی است از ویژگی‌های اقتصاد ملی به لحاظ نقاط ضعف و قوت، سیاست‌های دولتی در مدیریت نظام اقتصاد ملی و درجه تناسب این سیاست‌ها با تعارض و تحریم‌ها و از طرفی پویایی این اقتصاد مقاومتی تابعی از کیفیت روابط متقابل سه نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بدین معنا که مبتنی بر فرهنگ جهادی اقتصادی و ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی باشد، ضمن آنکه بایستی تقویت‌کننده نظام سیاسی بشود و این‌رو همه سیاست‌های اقتصادی در سطح کلان باید با توجه به این معیارها و با رویکرد استراتژیک و آینده‌نگری شکل بگیرد (فروغی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۹).

اقتصاد مقاومتی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده قرار می‌گیرد، منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه‌ایستادگی می‌کند و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن‌ها دارد (عرب‌نژاد، ۱۳۹۱: ۴۵).

اقتصاد مقاومتی، بنیانی نظری و عملی برای مدل‌سازی، گونه‌ای ویژه از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها، بیش از پیش آماده ساخته است (تراب‌زاده جهرمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۳).

۴. مبانی نظری

۴-۱. تاریخچه نظریه اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری از لفظ «اقتصاد مقاومتی» برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ در جمع کارآفرینان استفاده کردند. از آن پس بود که این اصطلاح، به‌طور رسمی، وارد ادبیات اقتصادی کشور شد. معظم‌له، ادبیات این رویکرد اقتصادی جدید (اقتصاد مقاومتی) را در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ مطرح کردند و بدین ترتیب بنیان یک نظریه اقتصادی جدید در این سال‌ها شکل گرفت؛ نظریه‌ای که با مبانی و اهداف خاص خودش و الگوی اختصاصی نظریه‌پردازی ویژه‌ای مطرح گردید.

اوج تاریخ اقتصاد مقاومتی، نیمه دوم سال ۱۳۹۲ است. با بهره‌گیری از اصل ۱۱۰ قانون اساسی، رهبر معظم انقلاب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و تعداد زیادی از اندیشمندان و مدیران با تجربه حوزه علوم اقتصادی ابلاغ کردند. با ابلاغ این سیاست‌ها برنامه جدیدی در کشور برای طراحی

این نظام اقتصادی و اجرای آن آغاز شد. پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که یک مجموعه بیست و چهار بندی به همراه یک مقدمه مهم است، دو اتفاق مهم در بهمن و اسفند سال ۱۳۹۲ افتاد. اتفاق اول، جلسه‌ای بود که تنها چند روز پس از ابلاغ سیاست‌های کلی بین مقام معظم رهبری و سران قوا برگزار شد. در این جلسه، معظم‌له دستورات خاصی را مطرح کردند و الزامات کار را برای سران قوا، به‌طور خصوصی و اختصاصی مطرح نمودند. اتفاق دوم جلسه‌ای بود که با مسئولین ارشد نظام (یک جمع حدوداً ۴۵۰ نفری از مسئولین کشوری شامل مدیران ارشد قوای سه گانه و نیروهای مسلح) برگزار شد. در آن جلسه نیز معظم‌له، ضرورت‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را یک‌بار دیگر تشریح کردند و ریشه‌ها و مبانی برنامه‌ای را که مسئولین در حوزه‌های مختلف می‌بایست تنظیم کنند، تبیین فرمودند و ابهامات احتمالی را برطرف کردند. بنابراین، می‌توان گفت نظریه اقتصاد مقاومتی در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ به صورت منسجم بیان شد و با ابلاغ سیاست‌های کلی که در چارچوب اصل ۱۱۰ قانون اساسی، صورت گرفت، یک الزام حقوقی و قانونی برای مسئولین کشور در هر سه قوه ایجاد شد. به این ترتیب، پایه‌های نظری و قانونی اولیه، برای طراحی یک نظام اقتصادی جدید تحت عنوان اقتصاد مقاومتی فراهم شد و کشور در ابتدای سال ۱۳۹۳ با شرایطی مواجه است که دستگاه‌های مختلف و همچنین اقشار مختلف مردم آماده پیگیری اقتصاد مقاومتی هستند (عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۲۷).

اما به منظور تحلیل ماهیت نظری و فلسفی اقتصاد مقاومتی، مناسب است نظریات مشابه آن در ادبیات متعارف اقتصادی بازخوانی شود. یکی از مهمترین کلید واژه‌های کمابیش مرتبط، عنوان «تاب‌آوری اقتصادی»^۱ است. در ادامه، به طور مختصر ادبیات و مبانی این نظریه بیان شده است.

۴-۲. نظریه تاب‌آوری اقتصادی

در ادبیات جهانی از اقتصاد مقاومتی با عنوان تاب‌آوری اقتصادی یاد می‌شود. گرچه تاب‌آوری اقتصادی، از نظر تئوریک و سیاست‌ها با اقتصاد مقاومتی تفاوت‌هایی دارد، اما بیشترین قرابت معنایی را به اقتصاد مقاومتی دارد. کلمه «تاب‌آوری» به معنی قابلیت ارتجاع و قابلیت فنی داشتن است. ما این کلمه را تاب‌آوری معنی کرده‌ایم. در ادبیات اقتصاد، این کلمه، اشاره به توانایی اقتصاد دارد که باعث جلوگیری از شوک‌های بیرونی و مقابله با آن می‌شود (فروغی‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۰).

با وجود گذشت بیش از سه دهه از تحقیقات اولیه در مورد تاب‌آوری، هنوز این مفهوم فاقد درک فراگیر و عملیاتی در حوزه‌های مختلف علمی است. بسیاری از تناقضات موجود بر سر معنای تاب‌آوری از تمایلات شناختی، روش‌های متدولوژیک، تفاوت‌های مفهومی

1. Economic Resilience.

بنیادی موجود و همچنین دیدگاه‌هایی که بر تحقیق در سیستم‌های اکولوژیکی، اجتماعی یا ترکیبی از هر دو تمرکز می‌کنند، ناشی می‌شود. ولی جنبه مشترک در همه رویکردهای علمی، تاب‌آوری از جمله در تاب‌آوری اقتصادی، اکولوژیک، اجتماعی، روان‌شناسی و علوم پایه، توانایی ایستادگی و واکنش مثبت به فشار یا تغییر است. از میان رویکردهای مفهومی این واژه نیز، دو رویکرد «پایداری» و «بازیابی» دارای درکی قطعی از تاب‌آوری هستند، به‌طوری‌که تئوری‌ها و نظریه‌های بسیاری در خصوص انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری مطرح شده است.

تاب‌آوری در فرهنگ لغات، توانایی بازیابی، بهبود سریع، تغییر، شناوری، کشسانی و همچنین خاصیت فنی و ارتجاعی ترجمه شده است (مرین-وبستر^۱، ۲۰۰۶: ۱). در اینکه کلمه تاب‌آوری مربوط به کدام حوزه علمی است بحث وجود دارد. تاکنون تعاریف متعدد و متنوعی از تاب‌آوری بیان شده است، اما به دلیل کاربرد گسترده علوم مختلف، هنوز تعریف جامعی از تاب‌آوری، ارائه نشده است.

اما ادبیات متعارف تاب‌آوری اقتصادی، دارای چند مؤلفه است:

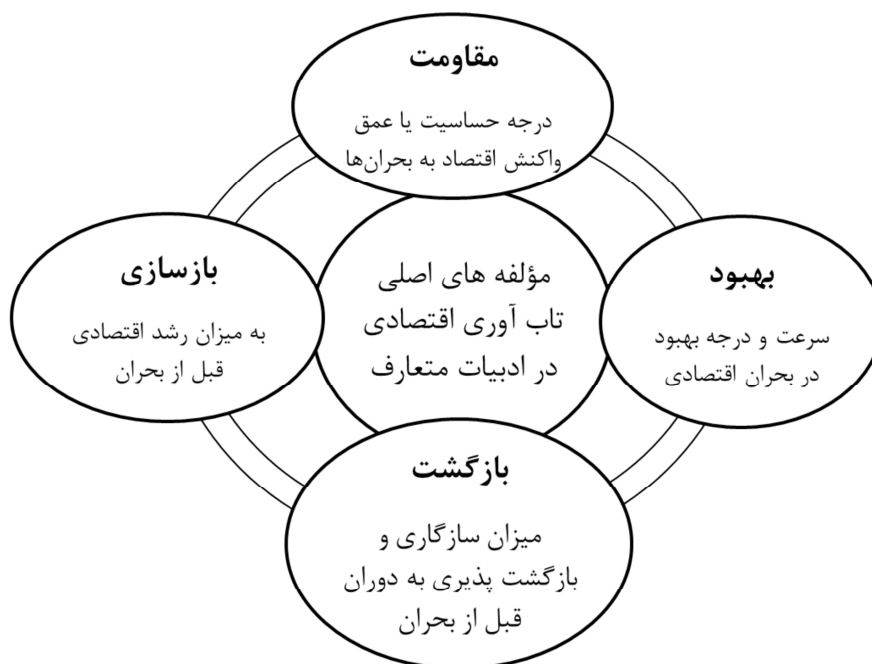
الف) ظرفیت، جامعه برای بازگشت به شرایط اقتصادی پیش از بحران و ظرفیت جوامع برای کاهش در معرض خطر قرار گرفتن (چه در واکنش به وقوع بحران که جامعه تجربه کرده است و چه در پیش‌بینی وقوع حوادثی که هنوز تجربه نکرده است) (فورگت^۲، ۲۰۰۹: ۲).
ب) مقاومت، که حساسیت‌پذیری اقتصاد در برابر بحران‌های اقتصادی مانند رکود را نشان می‌دهد.

ج) بهبود، که به معنای سرعت عمل در «بهبود بخشی» پس از مواجه شدن با بحران‌هاست

د) بازسازی و یا تجدید دوباره مسیر رشد اقتصادی قبل از بحران‌های اقتصادی است.

1. Merriam – Webster, 2006.

2. Forgette, 2009.



شکل ۱- مؤلفه‌های اصلی تاب آوری اقتصادی در ادبیات متعارف

با توجه به مؤلفه‌های فوق، برخی از شاخص‌های معرفی شده برای تاب‌آوری اقتصادی عبارتند از: امنیت، پایداری و ثبات اقتصادی، نرخ رشد، پویایی و تنوع اقتصادی، وضعیت اشتغال و میزان درآمد و مالکیت (بهتاش و همکاران، ۱۳۹۲: ۱-۲۰).

۳-۴. مروری بر مفهوم اقتصاد مقاومتی در کلام مقام معظم رهبری

از منظر ایشان، اقتصاد مقاومتی با ریاضت اقتصادی متفاوت است و آن را نوعی ساخت درونی اقتصاد می‌دانند که می‌تواند در برابر بحران‌ها و تحریم‌های خارجی شکوفایی خود را حفظ کند و خللی در آن وارد نشود. همچنین اقتصادی درون‌زا و برون‌گراست. در عین اینکه تلاش می‌کند مستقل باشد و بر توان داخلی تکیه کند با دنیا نیز تعامل دارد. اتکا بر دانش و اقتصاد دانش‌بنیان نیز یکی دیگر از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی است. ما باید اقتصاد کشور را به شکلی در بیاوریم که از آن طرف دنیا کسی نتواند با یک تصمیم‌گیری، با یک نشست و برخاست، بر روی اقتصاد کشور ما و بر روی معیشت ملت ما اثر بگذارد؛ این دست ما است، ما باید بکنیم؛ این همان اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳). با توجه به تعاریف مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی در نگاه ایشان، دارای ویژگی‌های زیر است:

- درون‌زا و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی.

- برون گرایی اقتصاد.
- اقتصاد مبتنی بر دانش.
- اتکا بر مردم و مردم بنیان بودن.
- عدالت محوری.
- مقاوم در برابر تکانه های دنیا.
- در مسیر بهبود شاخصه های کلان و افزایش رشد (فروغی زاده، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۷).

۴-۴. ارکان اقتصاد مقاومتی

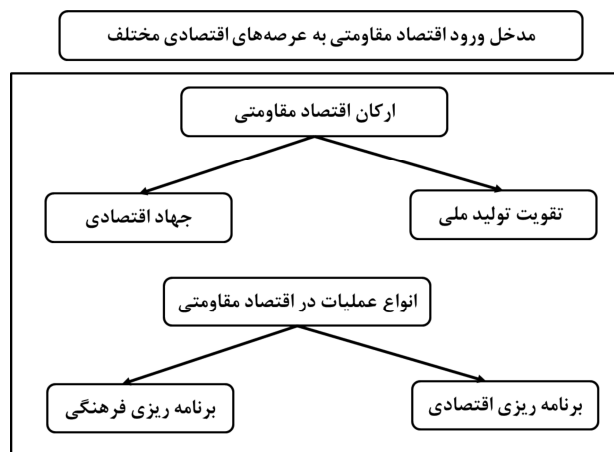
همان طور که پیشتر نیز گفته شد، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغیه مقام معظم رهبری، در بهمن ماه ۱۳۹۲) خطوط راهنمایی برای باز طراحی نظام اقتصادی کشور محسوب می شود. در واقع، این مجموعه سیاستی با لحاظ قواعد مکتب اقتصادی اسلام و وضعیت کنونی کشور (در دو حوزه ظرفیت ها و خصومت ها) برخی از موضوعات و مسأله ها را (و نه همه آن ها را) مورد توجه جدی قرار می دهد. اما با بررسی مجموعه سیاست های بیست و چهار گانه، رهیافت های کلی مورد نظر در نظریه پردازی (مدخل های اصلی) تا حد زیادی نمایان می شود (شهسواری، ۱۳۹۴: ۳۹).

وقتی سیاست های بیست و چهار گانه، در کنار هم قرار می گیرند، مشخص می شود دو حوزه جدی، مورد تأکید این سیاست ها است: یک حوزه تقویت تولید ملی است و حوزه دیگر، فرهنگ جهادی است. همان گونه که در نمودار زیر نشان داده شده است، تعداد زیادی از سیاست ها، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، موضوع تقویت تولید ملی را هدف قرار داده اند (مانند کارآفرینی، اقتصاد دانش بنیان، موضوع مزیت های استان ها، تقویت نظام مالی، دیپلماسی اقتصادی و ...). بخشی از سیاست ها موضوع جهاد اقتصادی را به معنای اخص آن مورد تأکید قرار می دهد؛ مانند سیاست های بیستم، بیست و یکم و بیست و دوم که به طور مشخص، وارد حوزه فرهنگ سازی و گفتمان سازی می شوند؛ اما همه این بیست و چهار سیاست، با یک نگاه دیگر در چارچوب جهاد اقتصادی، قابل تفسیر هستند. با دقتی بیشتر می توان دریافت که بسیاری از این موارد در رویکردهای دیگر، حتی در رویکردهای غیر اسلامی نیز مورد توجه بوده است، لکن آنچه که تضمین کننده تحقق اهداف و به فعلیت رسیدن این سیاست ها خواهد بود، وجود یک رویکرد و نگاه جهادی است. بدین ترتیب، تمام این بیست و چهار سیاست، زیر چتر جهاد اقتصادی معنا و مفهوم پیدا می کنند و اهالی اقتصاد داخلی (اعم از تولید کنندگان، مصرف کنندگان و مدیران کشور)، با این رویکرد جهادی است که خواهند توانست برنامه های اقتصاد مقاومتی را به فعلیت برسانند و اهداف آن را محقق سازند.



شکل ۲- مروری بر سیاست های اقتصاد مقاومتی (عبدالملکی، ۱۳۹۴)

بدین ترتیب مدخل اصلی ورود اقتصاد مقاومتی به عرصه های مختلف اقتصادی، دو عنصر است که عبارتند از: ۱. عنصر اقتصادی (یعنی برنامه ریزی اقتصادی در شکل مشهور خود) و ۲. عنصر فرهنگی (برنامه ریزی فرهنگی اقتصادی در چارچوب ادبیات اقتصاد مقاومتی) و بر همین اساس دو رکن اقتصاد مقاومتی عبارتند خواهند بود از: تقویت تولید ملی و فرهنگ اقتصادی- که در ادبیات اسلامی آن در عنوان "جهاد اقتصادی" متجلی می شود. عملیات تحقق این دو رکن نیز عبارتند از: ۱. برنامه ریزی اقتصادی- در معنای متعارف- و ۲. برنامه ریزی فرهنگی.



شکل ۳- مدخل ورود اقتصاد مقاومتی به عرصه های اقتصادی متعارف (عبدالملکی، ۱۳۹۴)

توجه به این دو رکن (تقویت تولید ملی و فرهنگ اقتصادی یا جهاد اقتصادی)، محقق را از انحراف در نظریه پردازی مصون می دارد. بر این اساس، تمام الگوهای اقتصادی که

منجر به تضعیف تولید ملی و یا انحراف فرهنگ اقتصادی از الگوی اسلامی آن (یعنی جهاد اقتصادی) شود، غیر مقاومتی و ضد مقاومتی قلمداد خواهند شد.

۵. نتیجه گیری

در نهایت با توجه به مدل مفهومی استخراجی از مجموعه فرمایشات مقام معظم رهبری و مطالعات صورت گرفته، تعریف زیر را برای اقتصاد مقاومتی می توان ارائه داد: اقتصاد مقاومتی، مفهومی سازمان دهنده برای جمیع عناصر و ساختارهای اقتصاد، گفتمانی عمومی و مردمی، فرآیندی متداوم، حرکتی مستمر، مدبرانه، هوشمند و الگویی از اقتصاد پیشرفته، پیش رو، مستقل و مستحکم است که با باور به تعالیم حیات بخش و اقتدار آفرین اسلام، اتکاء به روحیه جهادی، خلاقیت و نوآوری، دورن زایی و برون-گرایی، رسیک پذیری، امید و تلاش خالصانه و همبستگی مردم پشتیبان انقلاب و پویایی همه ظرفیت های مولد دولتی و مردمی اقتصاد ملی، با خلق فرصت های بین المللی و حضور فعال و موثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران، امنیت، رفاه و پیشرفت پایدار توأم با عدالت؛ و برای جهان اسلام و جامعه بشری، الگویی اسلامی ایرانی و مستقل از رشد و شکوفایی بشری را به ارمغان می آورد. ضمن اینکه رشد و شتاب خود را از دست نمی دهد و در برابر بحران ها، شوک ها و نوسانات طبیعی اقتصاد و تلاش خصم آلود و تحریم های اقتصادی دشمن، آسیب ناپذیر، مقاوم و در صورتی-که وقوع شوک های بیرونی، با توجه به توان بازیابی، با سرعت به حالت قبل خود باز می گردد.

لذا برای تحقق منویات رهبری در حوزه اقتصاد مقاومتی و جامعه عمل پوشاندن به این مهم، ما نیازمند برنامه-ریزی در این حوزه می باشیم که مهمترین برنامه های اصلی عبارتند از:

برنامه های اصلی اقتصاد مقاومتی	
برنامه های اصلی متناظر با تقویت تولید ملی ^۱	برنامه های اصلی متناظر با تقویت فرهنگ جهاد اقتصادی ^۲
۱. اصلاح الگوی مصرف	۱. مدیریت جهادی
۲. تقویت اقتصاد دانش بنیان	۲. مشارکت مردمی
۳. اصلاح نظام مالی	۳. مبارزه با مفاسد اقتصادی
۴. بهبود فضای کسب و کار	۴. مدیریت جهاد اقتصادی
۵. کاهش خام فروشی	

۱. برای مطالعه بیشتر، رجوع کنید به: عبدالملکی، ۱۳۹۳، تلخیص فصل هفتم، سیاست ها و برنامه عمل در تقویت تولید ملی، صص ۲۴۳-۲۷۰.

۲. برای مطالعه بیشتر، رجوع کنید به: عبدالملکی، ۱۳۹۳، تلخیص از فصل ششم و هشتم، آشنایی با فلسفه اقتصاد مقاومتی، سیاست ها و برنامه عمل در اصلاح فرهنگ اقتصادی و سبک زندگی، صص ۲۳۵ و ۲۵۱.

بر اساس آنچه بیان گردید، اقتصاد مقاومتی، نظامی اقتصادی است که در پی تحقق اهداف مکتب اقتصادی اسلام و در طول آن، اهداف اقتصادی انقلاب اسلامی، در شرایط خصومت بار کنونی، شکل می گیرد. این اهداف، در بالاترین سطح، عبارتند از: الف) استقلال اقتصادی، ب) رفاه اقتصادی و ج) پیشرفت اقتصادی. بنابراین، اگر این مفهوم در جامعه، عملی گردد، برخی از مهمترین پیامدها و نتایج آن، عبارتند از (شهسواری، ۱۳۹۴: ۴۱-۴۷):

پیامدها و نتایج تحقق اقتصاد مقاومتی	
کاهش خام فروشی	استقلال اقتصادی
کاهش واردات	
کاهش تورم	رفاه اقتصادی
کاهش بیکاری	
فراوانی (خصب)	
توازن و عدالت اجتماعی	
تولید ثروت	پیشرفت اقتصادی
افزایش صادرات راهبردی	
اقتدار اقتصادی و الهام بخشی	

الف) استقلال اقتصادی

کاهش خام فروشی

از مهمترین ثمرات اقتصاد مقاومتی، کاهش خام فروشی خواهد بود. فروش مواد خام (از جمله نفت خام، محصولات کشاورزی فرآوری نشده و مواد معدنی فرآوری نشده) به طور عمومی، به جهت نیاز کشور به ارز (برای واردات) و نیز نیاز دولت به ریال آن (برای تأمین بودجه) صورت می گیرد. با تقویت تولید ملی از یک سو، نیاز کشور به ارز کاهش می یابد، از سوی دیگر، نیاز دولت به بودجه از محل صادرات مواد خام (نفت خام) کاهش می یابد و در نهایت در صورت باقی بودن نیاز به ارز، مبالغ مذکور از طریق صادرات محصولات با ارزش افزوده بالا- و نه مواد خام- تأمین می گردد.

کاهش واردات

با تقویت تولید ملی، نیاز کشور به کالاهای خارجی کاهش خواهد یافت و بدین ترتیب، بخش عمده ای از واردات (به خصوص واردات محصولات کشاورزی و کالاهای ضروری قابل تولید در داخل) کاهش خواهد یافت. همچنین با اصلاح فرهنگ اقتصادی واردات کالاهای لوکس و غیر ضروری نیز کاهش خواهد یافت. از این جهت، وابستگی کشور به

خارج، کاهش خواهد یافت. البته این به معنای قطع ارتباط با جهان نخواهد بود، بلکه در این نظام اقتصادی واردات به صورت برنامه‌ریزی شده و در ازای منافع قابل قبول ملی و در چارچوب معیارهای خاص (از جمله عدم سبقت واردات بر صادرات و نیز عدم صادرات مواد خام در ازای واردات کالاهای فرآوری شده) صورت خواهد گرفت.

ب) رفاه اقتصادی

کاهش تورم

با تقویت تولید ملی و ترویج فرهنگ جهاد اقتصادی، انتظار می‌رود کاهش نرخ تورم به صورت پایدار از ماه‌های آغازین مشاهده شود (و در میان مدت حتی کاهش سطح عمومی قیمت‌ها نیز دور از انتظار نخواهد بود). با افزایش تولید ملی و فراوانی کالا به‌طور طبیعی، نرخ رشد قیمت‌ها، کندتر یا متوقف خواهد شد. همچنین با کاهش وابستگی خارجی اثر تحولات بخش خارجی (از جمله افزایش نرخ ارز و ...) بر سطح قیمت‌ها در داخل، به‌طور جدی کاهش خواهد یافت. همچنین اصلاح الگوی مصرف، منجر به رفع پدیده‌هایی از جمله احتکار خانگی کالا و به تبع آن، نرخ تورم کنترل خواهد شد.

کاهش بیکاری

روی دوم سکه تولید، اشتغال است. افزایش تولید، به‌طور طبیعی به همراه خود، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر، با کاهش واردات و نیز تقویت فرهنگ اقتصادی در حوزه تولید، کاهش نرخ بیکاری با سرعت بیشتری صورت خواهد گرفت. بدین ترتیب، در نتیجه اجرای نظام اقتصاد مقاومتی، به زودی علاوه بر جذب عمده نیروی کار بیکار، نیاز کشور به نیروی کار بیشتر و در نتیجه جمعیت بیشتر، نمایان خواهد شد.

فراوانی (خصب)

فراوانی (که در تعبیر اسلامی با اصطلاح "خصب" معرفی می‌شود) به معنای وجود کالاهای به مقدار و تنوع مورد نیاز در جامعه است. با تقویت تولید ملی و نیز ترویج فرهنگ جهاد اقتصادی، علاوه بر اینکه کمبودی در اقتصاد ملی (به جهت تحریم‌ها یا علل دیگر) وجود نخواهد داشت، روز به روز شاهد فراوانی بیشتر کالا و نیز تنوع بیشتر کالاهای موجود خواهیم بود.

توازن و عدالت اجتماعی

اگرچه تأمین و توازن اجتماعی، از ابتدایی‌ترین منویات و اهداف مکتب اقتصادی اسلام است، لکن عموماً به دلیل ضعف تولید ملی و نیز ضعف بودجه دولتی، به‌طور کامل (صد در صد) محقق نشده است. در جریان تحقق اقتصاد مقاومتی از یک سو، تولید ملی تقویت

می‌شود (که به تبع آن، سطح درآمد اقشار کم درآمد، افزایش می‌یابد و عدم توازن ناشی از بیکاری بخشی از جامعه، برطرف می‌شود) و از سوی دیگر، دولت با در اختیار داشتن منابع بیشتر، خواهد توانست وضعیت زندگی مناسب (در سطح کفاف و نه تنها در سطح معیشت) را برای عموم فراهم نماید.

ج) پیشرفت اقتصادی

تولید ثروت

یکی از ویژگی‌های یک اقتصاد پیشرفته، قدرت بالای آن در خلق ثروت است. با تقویت تولید ملی، کاهش خام فروشی، ایجاد ارزش افزوده بالاتر و تقویت فرهنگ تولید در کشور - در نتیجه تحقق نظام اقتصاد مقاومتی - قدرت خلق ثروت ملی، به میزان بالایی افزایش خواهد یافت.

افزایش صادرات راهبردی

پس از رفع نیازهای اصلی کشور، تقویت تولید ملی زمینه را برای توسعه صادرات فراهم خواهد نمود. در نظام اقتصاد مقاومتی صادرات به عنوان یک موضوع راهبردی و با اهداف خاص صورت می‌گیرد. تأمین نیازهای ارزی کشور، تقویت جایگاه بین‌المللی و کمک به پیشرفت امت اسلامی، از جمله اهداف راهبردی صادرات در اقتصاد مقاومتی هستند.

اقتدار اقتصادی و الهام‌بخشی

اجرای اقتصاد مقاومتی منجر به تقویت اقتدار اقتصادی کشور و الهام‌بخشی بیشتر جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی خواهد شد. اقتصادی ثروت‌آفرین و دانش‌بنیان، با ساخت درونی مستحکم (رفاه بالای اهالی) و حداقل وابستگی خارجی به عنوان اقتصادی قدرتمند و الهام‌بخش شناخته می‌شود. چنین اقتصادی، کمتر در معرض تهدیدات اقتصادی (از جمله تحریم یا سایر تکانه‌ها) قرار خواهد داشت. اقتدار اقتصادی باعث شتابنده شدن ترویج ایدئولوژی اسلام ناب در جهان خواهد شد.

بنابراین، با توجه به مباحث اقتصاد مقاومتی، اگر مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران، این مفهوم که کاملاً بومی و برآمده از الگوی ناب اسلامی است را در صدر امور اقتصادی و برنامه‌های خود قرار دهند، سه پیامد مهم انقلاب اسلامی که عبارتند از: استقلال اقتصادی، رفاه اقتصادی و پیشرفت اقتصادی است؛ به عرصه عمل خواهد رسید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. بر خور داری، سجاد و جعفری، محمد (۱۳۹۴)، *اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران*؛ تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۲. تراب زاده جهرمی، محمد و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی ابعاد و مؤلفه های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی.
۳. حسین زاده بحرینی، محمد حسین (۱۳۹۲)، «اقتصاد مقاومتی، راهکاری برای توسعه»، فصلنامه علوم قرآن و حدیث مشکوه، شماره ۱۱۸.
۴. حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۸۷)؛ وب سایت: www.khamenei.ir.
۵. _____ (۹۱/۵/۳)، *دیدار کارگزاران نظام با رهبر انقلاب*؛ وب سایت: www.khamenei.ir.
۶. _____ (۱۳۹۳)؛ وب سایت: www.khamenei.ir.
۷. خلیلی، حسام الدین (۱۳۹۱)، «مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه علوم اجتماعی کارآگاه، سال پنجم، شماره ۲۰.
۸. دانش جعفری، داود (۱۳۹۱)، *سلسله نشست های اقتصاد مقاومتی: اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری*؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، معاونت پژوهش، پژوهشکده علوم اقتصادی.
۹. درخشان، مسعود (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی: تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، معاونت پژوهش، پژوهشکده علوم اقتصادی.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱)، *لغت نامه دهخدا*؛ تهران: چاپ سیروس.
۱۱. رفیعیان، مجتبی و همکاران (۱۳۹۰)، «تبیین مفهومی تاب اوری اقتصادی و شاخص سازی آن در مدیریت سوانح اجتماع محور»، برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۴، صص ۱۹-۴۱.
۱۲. سیف، اله مراد (۱۳۹۱)، «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره ۱۶.
۱۳. _____ (۱۳۹۲)، «مقدمه ای بر نقشه راه پیاده سازی سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
۱۴. _____ (۱۳۹۳)، *نقشه راه پیاده سازی سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی*؛ تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

۱۵. سیف، اله مراد و همکاران (۱۳۹۳)، *اقتصاد مقاومتی و بانکداری مقاومتی، مفاهیم، تجارب و شاخص‌ها*؛ تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۶. سیفلو، سجاد (۱۳۹۳)، «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی»، مجله معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۱۰، صص ۱۵۱-۱۷۳.
۱۷. شهسواری، سجاد (۱۳۹۴)، «نقش دولت در عملیاتی کردن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در محور بهبود بهره‌وری آب کشاورزی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق ۷.
۱۸. جمالی و همکاران (۱۳۹۴)، «اقتصاد مقاومتی از دیدگاه اسلام، مفهوم، اصول و سیاست‌ها»، مجله معرفت، شماره ۲۱۳، صص ۹۱-۱۰۶.
۱۹. عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۳)، *نظریه اقتصاد مقاومتی: درآمدی بر مبانی، سیاست‌ها و برنامه عمل*؛ تهران: انتشارات سدید.
۲۰. عرب‌نژاد، حسین (۱۳۹۱)، «از جهاد اقتصادی تا اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه مکاتبه و اندیشه، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
۲۱. فرزاد بهتاش و همکاران (۱۳۹۲)، «ارزیابی و تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های تاب‌آوری کلان شهر تبریز»، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۳: صص ۳۳-۴۲.
۲۲. فروغی‌زاده، یاسین (۱۳۹۳)، «تبیین مفهومی اقتصاد مقاومتی و شاخص‌سازی و سنجش مقاومت پذیری اقتصاد ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق ۷.
۲۳. معین، محمد (۱۳۶۳)، *فرهنگ معین*، چاپ ششم؛ تهران: امیر کبیر.
۲۴. میر معزی، سید حسین (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی: مبانی نظری»؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، معاونت پژوهش، پژوهشکده علوم اقتصادی.
۲۵. _____ (۱۳۹۱)، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۷: صص ۴۹-۷۶.

ب) منابع انگلیسی

1. Forgette, Richard and Mark Van Boening (2009), **"Measuring and Modeling Community Resilience: SERP and DyME"**, Final SERRI, Department of Political Science, University of Mississippi.
2. Webster Inc Merrian (2006), **websters collegiate dictionary** [book].